

## پژوهندگان معروف نسخ خطی ایران و هند

### \* آشنایی با زندگی و آثار شیخ آقابزرگ تهرانی

در شب پنجشنبه یازدهم ماه ربیع‌الاول سال ۱۲۹۳ هـ ق برابر با نوزدهم فروردین سال ۱۲۵۵ هـ ش برابر با هفتم آوریل ۱۸۷۶ م در خانه یکی از روحانیان تهران، واقع در سه‌راه دانگی، نزدیک پامنار، پسری به دنیا آمد که پدر و مادرش برای بزرگداشت نام جد بزرگ پدری وی، حاجی محسن تهرانی، او را محسن نامیدند. لیکن همیشه او را «آقابزرگ» صدا می‌کردند. زیرا طبق عادت قدیمی تهرانیان کودکی که به نام جد کوچک او نامیده شود «آقا کوچک» یا «خانم کوچک» و کودکی که به نام جد بزرگ خود نامیده شود «آقابزرگ» یا «خانم بزرگ» خوانده می‌شود.

پدرش، حاجی علی فرزند حاجی محمدرضا، فرزند حاجی محسن، فرزند حاجی علی اکبر تهرانی، خود از روحانیان تهران بود. او کتابچه‌ای در تاریخ «حادثه رژی» و تحریم دخانیات نوشته و به سال ۱۳۲۴ هـ ق درگذشته است.<sup>۱</sup>

پدر او، محمدرضا، جد مؤلف ذریعه نیز از روحانیان تهران بود. شرح حال وی در طبقات، سده سیزدهم، ص ۵۶۳ آمده است. او پس از مرگ پدرش، حاجی محسن، به سال ۱۲۵۰ هـ ق ناگزیر شد کار بازرگانی پدر را دنبال کند. پدر محمدرضا، حاجی محسن شریک معتمدالدوله، منوچهر خان در کار بازرگانی و مؤسس نخستین چاپخانه در ایران عهد قاجار بوده است که چاپ قرآن‌ها و دعاها معروف به معتمدی محصول کار ایشان است. او در سال ۱۲۴۶ هـ ق معتمدالدوله را که در آن

---

۱. ذریعه، جلد ۳، ص ۲۵۲

زمان حاکم گیلان بود، وصی خود بر املاکش در گیلان کرد و این وصیت‌نامه در کتابخانه موقوفی شیخ آقابزرگ در نجف اشرف موجود است.<sup>۱</sup> شیخ تحصیلات مقدماتی را در «مدرسه دانگی» و «مدرسه پامنا» و سپس در «مدرسه خان مروی» فراگرفت.

علوم ادبی را نزد شیخ محمد حسین خراسانی و شیخ محمد باقر معزالدوله، اصول را نزد سید عبدالکریم مدرسی و سید محمدتقی تنکابنی و شیخ محمد تقی پسر حاج شیخ عباس نهاوندی، منطق را نزد میرزا محمدقمی، فقه را نزد میرزا محمد تقی گرگانی و حاج شیخ علی نورایلکایی، مقداری از ریاضیات را نزد ایشان و مقداری هم نزد میرزا ابراهیم زنجانی آموخت. از آثار دوران تحصیلی شیخ چند مجموعه از کتاب‌های درسی به‌جای‌مانده که شیخ آن‌ها را به‌سبب کمبود چاپخانه در آن زمان، به‌دست خویش نوشته است.

یکی از آن‌ها مجموعه‌ای است شامل:

- ایساغوجی در منطق که در سال ۱۳۰۸ هـ ق نوشته است.
  - شرح ایساغوجی به تاریخ ۲۵ ذی‌الحجه سال ۱۳۱۱ هـ ق.
  - ترکیب تهذیب‌المنطق.
  - اللئالی المنتظمه تألیف ملا هادی حکیم سبزواری متخلص به‌اسرار. این مجموعه به‌خط صاحب ذریعه زمانی نزد سید محمد جزایری در اهواز بود و عکس‌هایی از آن در مقدمه طبقات، قرن چهارم (نوابغ الرواه) چاپ شده است. شیخ در همان سنین جوانی، پس از پایان تحصیلات مقدماتی در تهران به‌مطالعه تاریخ ادبیات و رجال پرداخته بود.
- گواه بر این مطلب وجود مجموعه دیگری است که به‌خط خود وی و محتوی این کتاب‌هاست:

۱. رجال نجاشی که آن را در تهران به تاریخ ماه شوال سال ۱۳۱۴ هـ ق نوشته.

۲. فهرست منتخب بابویه که آن را در نجف به سال ۱۳۲۰ هـ ق نوشته است و نیز یک نسخه از فهرست شیخ طوسی در دست است که به خط صاحب ذریعه در هشتم ربیع الاول ۱۳۱۵ هـ ق در تهران و پیش از مهاجرتش به عراق پایان یافته است و آن را به کمک همکار خود، شیخ محمد نهاوندی، تصحیح و تحقیق کرده و در مقدمه‌ای که بر نسخه نوشته، کار خود را روشن ساخته است.

شیخ آقابزرگ در دوران جوانی به همراهی پدر و مادر خویش، سفری در سال ۱۳۱۰ هـ ق به مشهد و در سال ۱۳۱۳ سفری به عراق کرده و پس از سه ماه در همین سال سفری نیز به مازندران نموده است. سپس در سن بیست و دو سالگی در ۱۰ جمادی الثانی سال ۱۳۱۵ هـ ق به قصد تکمیل تحصیلات به عراق رفت و از این تاریخ تا سال ۱۳۲۹ هـ ق در شهر نجف می‌زیست. وی در حوزه نجف در محضر حاج میرزا حسین نوری در گذشته به سال ۱۳۲۰ هـ ق و شیخ محمد طاهای نجف در گذشته به سال ۱۳۲۳ هـ ق و سید مرتضی کشمیری در گذشته به سال ۱۳۲۳ هـ ق و حاجی میرزا حسین خلیلی در گذشته به سال ۱۳۲۶ هـ ق و ملا محمد کاظم، آخوند خراسانی، پیشوای هواخواهان مشروطیت در گذشته به سال ۱۳۲۹ هـ ق و حاج سید احمد حائری تهرانی و میرزا علی چهاردهی در گذشته به سال ۱۳۲۴ هـ ق و میرزا محمد تقی شیرازی در گذشته به سال ۱۳۳۸ هـ ق و شیخ شریعت اصفهانی در گذشته به سال ۱۳۳۹ هـ ق و گاهی نیز نزد سید محمد کاظم یزدی مخالف مشروطیت استفاده کرد. او در سده چهاردهم طبقات، ص ۵۷۵، چاپ نجف، شرحی از جشن شادمانی که استادش حاج میرزا حسین خلیلی در مدرسه‌اش برای پیروزی مشروطیت در سال ۱۳۲۷ هـ ق برپا داشته بود، می‌آورد و روح آزادی خواهی خود را مثل دیگر موارد نشان می‌دهد. شیخ تقریرات درس مرحوم آخوند خراسانی را می‌نوشت و از شاگردان میرزا ایشان محسوب می‌شد و در مبارزات مشروطه خواهی او شرکت داشت و در این موضوع کتابی به نام «تعریف الانام بالمدينة و الاسلام» از فرید وجدی را در سال ۱۳۲۷ هـ ق به فارسی ترجمه و منتشر کرد. شیخ، گذشته از استادان یادشده از حاج میرزا حسین نوری که قدیم‌ترین استاد اوست و نیز از شیخ محمد صالح آل طعان بحرین و شیخ علی خاقانی در گذشته به سال ۱۳۳۴ هـ ق و

سید محمد علی شاه عبدالعظیمی در گذشته به سال ۱۳۳۴ هـ ق و شیخ موسی بن جعفر کرمانشاهی و سید ابوتراب خوانساری و شیخ علی کاشف‌الغطا در گذشته به سال ۱۳۵۰ هـ ق و سید حسن صدر در گذشته به سال ۱۳۵۴ هـ ق اجازه روایت گرفت. وی پس از فوت مرحوم آخوند در سال ۱۳۲۹ هـ ق و پیدایش اختلاف میان مشروطه‌خواهان نجف بر سر اتهام تندروی مجلسیان تهران و برای دوری گزیدن از سیاست واپس‌گرایان، از نجف به کاظمین هجرت کرد و در آنجا پس از قرارداد با صدر و کاشف‌الغطاء (که پس از این یاد خواهد شد) به تتبع و تحقیق پرداخت و شروع به تألیف و تدوین دایرة‌المعارف کتاب شناختی به نام «الذریعه الی تصانیف الشیعه» نمود و برای آن‌که خاطری آسوده و فراغت بیشتر داشته باشد، شهر سامرا در کنار دجله در ۱۲۵ کیلومتری شمال بغداد را برای سکونت انتخاب کرد و هر شش جلد خطی این کتاب ارزشمند در این شهر فراهم شد.

مؤلف ذریعه در زمینه جمع‌آوری فهرست عمومی از تمام آثار قلمی شیعه از قدیم‌ترین ایام تا زمان حیاتش تحقیق و تتبع نمود. او از آن سال تا پیش از مرگ، کتابخانه‌های عمومی و خصوصی عراق عرب و اغلب کتابخانه‌های مهم ایران و برخی کتابخانه‌های سوریه و فلسطین و مصر و حجاز را دید و در برخی از آن کتابخانه‌ها شیخ شب‌ها و روزهای بسیار را سپری کرد، تا جایی که در بعضی از کتابخانه‌ها چون صاحب کتابخانه راضی نمی‌شد که در کتابخانه باز بماند، او خوراک خود را با خویش می‌برد و شب هنگام مدیر کتابخانه در را بر روی شیخ می‌بست و او در آنجا زندانی می‌ماند تا مدیر بر طبق قرار روزی دیگر در را بر روی او بازگشاید. شیخ اغلب فهرست‌های کتابخانه‌های ترکیه و هند و افغانستان و پاکستان و برخی فهرست‌های اروپایی را نیز از نظر گذرانیده است.

شیخ آقابرک در سن بیست و چهار سالگی با منصوره خانم دختر شیخ علی قزوینی ازدواج کرد و از وی یک پسر به نام محمد باقر و دو دختر بنام‌های مریم و مرضیه دارا شد. همسر شیخ در سال ۱۳۳۵ هـ ق درگذشت و پسرش محمد باقر نیز

در سن جوانی فوت شد<sup>۱</sup>، شیخ که گرفتار بچه‌داری بود به‌ناچار پس از مرگ همسر اولش در همان سال با مریم خانم دختر سید احمد دماوندی ازدواج نمود<sup>۲</sup> و از وی چهار پسر و دو دختر به‌سنین رشد رسیدند. دو پسر بزرگ او دکتر علی‌تقی و احمد منزوی در کار تصحیح و چاپ آثار پدر همکاری داشته و دارند. پسر سوم شیخ، شادروان دکتر محمد رضا منزوی که دامپزشک بود و به‌دست درخیمان رژیم پهلوی به‌شهادت رسید و پسر چهارم، دکتر مهندس محمد تقی منزوی استاد دانشکده فنی تهران شد و اکنون در لوس آنجلس زندگی می‌کند.

شیخ برای بار دوم به‌سال ۱۳۵۰ هـ ق به‌همراهی عمویش، حاج حبیب‌الله تاجر تهرانی به‌مشهد سفر کرد. در این سفر برای خود و فرزندانش گذرنامه گرفت و لقب «منزوی» را در شناسنامه ثبت نمود. اگرچه او به‌این لقب شهرت نیافت، لیکن ذریعه، جلد ۱۵، ص ۱۲۸ از آن یاد کرده است. سفر سوّم او به‌مشهد در سال ۱۳۶۵ هـ ق و سفر چهارم به‌سال ۱۳۸۱ هـ ق بود.

او در سال ۱۳۵۴ هـ ق که اثر نفیس خود یعنی الذریعه را قابل انتشار دید، در صدد چاپ آن برآمد، لیکن حادثه‌ای ناشی از تعصّب ضد شیعی و ایرانی سامرائی‌ها و کشتن شخصی به‌نام شیخ هادی تهرانی بدست آن‌ها به‌مؤلف فهمانید که نمی‌تواند با اقامت در آن شهر به‌چاپ کتاب خود که سراسر دفاع از تشیع بود، بپردازد. بدین منظور محلّ اقامت خود را از سامرا به‌نجف انتقال داد. البتّه خروج او از سامرا به‌دستور حکومت و پس از زندانی شدن بسیاری از ایرانیان به‌اتهام شرکت در غوغا بود، در صورتی که همه مردم قاتل شیخ هادی را می‌شناختند. صاحب ذریعه در نجف با کمک مالی عمویش، حاج حبیب‌الله محسنی چاپخانه‌ای بنام «سبعه‌السعاده» برپا نمود تا کتاب خود را در آن به‌چاپ برساند ولیکن دولت پادشاهی عراق به‌عذر ایرانی بودن ایشان مانع از انجام کار شد، و پس از آن‌که با مشقت‌های بسیار، چاپخانه را زیر نظر یک نفر عراقی قرار دادند باز هم دولت وقت به‌بهانه‌های دیگر

۱. ن.ک: سده چهاردهم طبقات، ص ۱۴۶۲.

۲. همان، ص ۹۴.

در چاپخانه را بست. شیخ به‌ناچار چاپخانه را فروخت تا مگر کتاب را در چاپخانه‌ای دیگر به‌چاپ برساند. پس از چاپ شدن جلد اول باز وزارت فرهنگ عراق شش ماه از انتشار آن جلوگیری کرد و بزرگترین بهانه‌اش فارسی بودن نام مؤلف بود. یادآور باید شد که این اثر گران‌قدر تا مدت‌ها در دو کشور عربستان و لیبی به‌بهانه تبلیغات شیعی و ایرانی ممنوع الورد بود.

شیخ آقابزرگ تهرانی، روشن‌فکر و مشروطه‌خواه، از اوایل جوانی به‌واسطه زهد و پرهیز به‌سحرخیزی و پیاده روی عادت کرده بود. وی از سن ۴۰ تا ۷۰ سالگی، در بیست و چهار ساعت فقط دو وعده، صبح و ظهر غذا می‌خورد و شب را با معده خالی به‌رختخواب می‌رفت. خواب او در شب‌های بلند از پنج ساعت تجاوز نمی‌کرد. یک ساعت پیش از فجر برمی‌خاست و پیاده به‌زیارت قبرستان شهر و حرم حضرت علی<sup>(ع)</sup> می‌رفت و پس از ادای فریضه صبح پیاده به‌خانه باز می‌گشت و پس از صرف ناشتایی به‌کتابخانه که محل کارش بود، می‌رفت و تا ظهر مشغول کار می‌شد. بعد از ظهر پس از انجام عبادت و صرف ناهار و کمی استراحت دوباره به‌کتابخانه برمی‌گشت و تا نزدیک مغرب مشغول کار بود، سپس به‌مسجد و حرم می‌رفت و پس از انجام نماز مغرب و عشا باز می‌گشت و چند ساعت از شب را نیز در کتابخانه مشغول کار بود. پیگیری او چنان بود که چون در حل مشکلی مربوط به تاریخ مرگ یا تولد دانشمندی یا شناسایی کتابی یا نسبت کتاب به‌مؤلفش درمی‌ماند، گاه شب‌ها را تا بامداد در کتابخانه می‌ماند و گاه مدت این گرفتاری به‌چند روز می‌کشید و چون گمشده خویش یا حل مشکل را می‌یافت، گویی دنیا را به‌او داده‌اند و خوشحال می‌شد.

شیخ دقیقه‌ای از کار باز نمی‌ایستاد، حتی آنگاه که میهمان یا طلبه‌ای بر او وارد می‌شد پس از احوال‌پرسی و جواب پرسش‌های علمی، دوباره با معذرت‌خواهی به‌کار خود باز می‌گشت. او در پذیرایی میهمان حداکثر کوچک‌نمایی را داشت.

۱. به‌گفته‌ی آقای دکتر علی‌نقی منزوی.

به هیچ کس اجازه بوسیدن دستش را نمی‌داد و بی اختیار دستش را کنار می‌کشید. او میهمان را هر چند که بسیار جوان‌تر می‌بود تا در خانه بدرقه می‌کرد.

### آثار شیخ

پیش از پرداختن به بررسی دو اثر گران‌سنگ شیخ آقابزرگ تهرانی یعنی «الذریعه الی تصانیف الشیعه» و «طبقات اعلام الشیعه» آثار دیگر شیخ را به طور اجمال معرفی می‌کنیم:

۱. **مصنفی المقال فی مصنفی علم الرجال:** او در این کتاب شرح حال تاریخ‌نویسان را در تمام دوره‌های اسلامی گردآورده و ششصد تن از پیشگامان خود را معرفی کرده است. این کتاب به زبان عربی است و فرزند دوّم شیخ، احمد منزوی آن را در تهران تصحیح و به سال ۱۳۳۷ هـ ش در ۶۲۶ صفحه چاپ کرده است.
۲. **منتخبی از مصنفی المقال** با نام «المشیخه» یا «اسناد المصنفی» در نجف اشرف به سال ۱۳۵۶ هـ ق چاپ شده است. در این کتابچه فقط از کسانی یاد شده که در طریق روایت و زنجیره سند اجازات ایشان واقع شده‌اند. به همین سبب، صاحب الذریعه از نسخه‌های این کتاب به عنوان «اجازه‌نامه» استفاده می‌نمود و با نوشتن چند سطر اجازه روایتی در پایان هر نسخه این کتاب، به نام یک شاگرد، به وی اجازه‌نامه می‌داد.<sup>۱</sup>
۳. **هدیه الرازی الی المجدد الشیرازی:** این کتاب در شرح احوال آیت الله میرزا محمّد حسن شیرازی است و توسط یکی از نوادگان دختری آیت الله شیرازی چاپ شده است.
۴. **التقد اللطیف فی نفی التحریف عن القرآن الشریف:** صاحب الذریعه در این کتاب از استاد خویش، حاجی حسین نوری و کتاب او «فصل الخطاب فی تحریف الکتاب» دفاع نموده و او را از قول به تحریف به معنی تغییر و تبدیل، تبرئه کرده است.

۱. ن.ک: ذریعه، ج ۲، ص ۷۰ و ج ۳، ص ۴۹۱ و ج ۱۰، ص ۵۱

۵. توضیح الرشاد فی تاریخ حصر الاجتهاد: همان‌گونه که از نام این کتابچه هویداست دربارهٔ مذهب اجتهاد در فروع احکام و تاریخ پیدایش مذهب تقلید و سد باب اجتهاد و حصر حق اجتهاد به‌چهار تن از پیشوایان اهل سنت است. این کتاب به درخواست یکی از علمای موصل به نام سید جعفر بن حسن اعرجی موصلی تألیف شده است و اخیراً در قم به سال چاپ شده است.
۶. تفنید قول العوام بقدم لکلام: این کتاب نیز دربارهٔ یک مسئله کلامی است که مورد نزاع میان معتزله و اشاعره در دورهٔ عباسی بوده که آیات قرآن قدیم است یا حادث. این رساله نیز به درخواست همان عالم موصلی نوشته شده و در ذریعه، ج ۴، ص ۳۶۱ از آن یاد شده است.
۷. ذیل المشیخه: در مشایخ مؤلف از اهل سنت. این رساله در آغاز کتاب «الوضوء فی کتاب والسنه» چاپ شده است.
۸. ضیاءالمفاذات فی طرق مشایخ الاجازات.
۹. اجازات الروایه و الوراثة فی القرون الاخیره: برای تفصیل معرفتی این کتاب، ذریعه، جلد ۱، ص ۱۲۹ دیده شود.
۱۰. مسندالامین: اجازهٔ مفصلی است که شیخ برای مؤلف کتاب‌های ارزشمند «شهداء، الفضیله» و «الغدیر» یعنی مرحوم علامه امینی نوشته است.
۱۱. حیاه الشیخ الطوسی: که در شرح احوال شیخ طوسی است این کتاب در آغاز تفسیر شریف «التبیان» و جداگانه در ۱۵۰ صفحه چاپ شده است. شیخ آن را پس از چاپ جلد هفتم ذریعه تألیف کرده است. این کتاب به فارسی نیز ترجمه شده است.
- مؤلف ذریعه خلاصه بسیاری از کتاب‌های دیگران را بیرون آورده که هر یک برای خود کتابی مستقل بشمار می‌رود:
- الدرّة النفیس فی تلخیص رجال التّائیس<sup>۱</sup>.
  - محصول مطلع البدور فی تلخیص ما فیہ من المنشور<sup>۲</sup>.

۱. ن.ک: ذریعه، ج ۸، ص ۸۶ و ۸۷

۲. ذریعه، ج ۲۰، ص ۱۵۱.



- الياقوت المزدهر في تلخيص رياض الفكر.
  - ملخص زادالسالكين از فيض كاشاني (ن.ك: ذريعه، ج ۱۲، ص ۲ و ۳ و همچنين ج ۲۲، ص ۲۰۷).
  - نزهة البصر في فهرست نسمة السحر (ذريعه، حرف نون).
  - الظليله في الانساب البيوتات الجليله.
  - تشجير حديقه النسب، للافتوني.
- شيخ چند کتابچه در انساب نوشته يا کتاب‌های انساب را مشجر و شاخه‌بندی کرده و همچنین او تقریرات درس‌های استادان خویش چون آخوند خراسانی و شيخ شریعت اصفهانی را به صورت کتاب مستقل نوشته است.

#### \* شادروان استاد نذیر احمد

پروفسور نذیر احمد فرزند حاجی محمد اسماعیل، استاد بازنشسته دانشگاه اسلامی علیگره، یکی از اساتید برجسته و محققان نامدار زبان فارسی در کشور هندوستان است. وی در سال ۱۹۱۵ م. در گوندا در ایالت اترپرادش متولد شد. پس از تحصیلات مقدماتی وارد دانشگاه لکهنو گردید. در سال ۱۹۴۵ م. موفق به دریافت دکتری زبان و ادبیات فارسی، و در سال ۱۹۵۰ م. فوق دکتری زبان فارسی، و در سال ۱۹۵۷ م. دکتری زبان و ادبیات اردو را از دانشگاه لکهنو دریافت نمود.

استاد نذیر احمد در سال ۱۹۵۸ م. در دانشگاه اسلامی علیگره مشغول به کار شد و در سال ۱۹۶۱ م. با سمت استادی، ریاست گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اسلامی علیگره را نیز به عهده داشته است.

دکتر نذیر احمد در طول خدمات دانشگاهی خود، در ده‌ها کنفرانس و سمینار زبان فارسی در داخل و خارج کشور هند شرکت کرده و دهها مقاله علمی و تحقیقی در این سمینارها عرضه داشته است. استاد به کشورهای شوروی سابق، افغانستان، کویت بنگلادش، پاکستان و ایران مسافرت نموده است. مسافرت اول ایشان به ایران در سال ۱۹۵۵ م. به مدت نه ماه، برای کارهای علمی و تحقیقاتی بوده است. ایشان در

سال ۱۹۷۸ م به خاطر خدمات ارزنده‌اش به فرهنگ فارسی مورد تشویق ریاست جمهوری هند قرار گرفته است.

استاد نذیر احمد در سال ۱۹۷۹ م. به افتخار بازنشستگی نایل آمد. ولی باز هم از پاننشسته و با کنکاش و تلاش در کتابخانه‌های مختلف هند پرده از چهره کتاب‌های کمیاب و یا گمنام خطی فارسی برمی‌دارد. ایشان در ایوان غالب (مؤسسه غالب) که یکی از مراکز مهم فرهنگ فارسی است، به عنوان عضو ثابت و فعال مشغول به کار بود و هم ریاست آن را به عهده داشت. در ضمن مسئولیت مجله تحقیقی غالبنامه را نیز به عهده گرفته بود. وی به زبان‌های اردو، عربی، انگلیسی و هندی نیز آشنایی داشت.

استاد نذیر احمد دارای چندین تألیف و بیش از دویست مقاله در زمینه‌های فرهنگ و ادبیات فارسی می‌باشد که به بعضی از آن‌ها در زیر اشاره می‌شود:

۱. شرح احوال و آثار ظهوری ترشیزی، انگلیسی، اله‌آباد.
۲. تصحیح مکاتیب سنایی، دانشگاه اسلامی علیگره، ۱۹۶۲ م.
۳. تصحیح مکاتیب سنایی با اضافات، کابل، ۱۳۵۶ ه.ش.
۴. تصحیح دیوان سراجی خراسانی، علیگره، ۱۹۷۲ م.
۵. تصحیح دیوان عمید لوتکی، لاهور (پاکستان)، ۱۹۸۵ م.
۶. کتاب صیدنه (تألیف البیرونی)، تهران.
۷. تصحیح دیوان حافظ، آستان قدس، مشهد، ۱۳۵۱ ه.ش.
۸. مطالعات تحقیقی (مجموعه‌ای از مقالات)، دانشگاه لکهنو، لکهنو.
۹. فرهنگ قواس، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
۱۰. دستورالافاضل، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
۱۱. نقد فرهنگ قاطع برهان، غالب انستیتوت، دهلی، ۱۹۸۵ م.
۱۲. کتاب نَورَسْ با مقدمه و ترجمه انگلیسی، دهلی.
۱۳. کتاب نَورَسْ با مقدمه و ترجمه اردو، لکهنو.
۱۴. مطالعات تاریخی.
۱۵. زفان گویا، کتابخانه خدابخش، پتنا (هند)، ۱۹۸۹ م.

۱۶. غزلیات حافظ بر اساس نسخه مورخ ۸۱۳ هـ، مرکز تحقیقات فارسی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دی‌ماه ۱۳۶۷ هـ ش. / جمادی‌الاول ۱۴۰۹ هـ ق، دهلی‌نو.
  ۱۷. تصحیح دیوان حافظ از روی نسخه ۸۱۸ هـ، مرکز تحقیقات فارسی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دی‌ماه ۱۳۶۷ هـ ش. / جمادی‌الاول ۱۴۰۹ هـ ق، دهلی‌نو.
  ۱۸. ترتیب و تصحیح فرهنگ لسان‌الشعرا تألیف عاشق، رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تیرماه ۱۳۷۴ هـ ش. / ژوئیه ۱۹۹۵ م، دهلی‌نو.
  ۱۹. محمد صادق اصفهانی.
  ۲۰. تصحیح دیوان مهندس، ایران.
  ۲۱. ترجمه اعجاز خسروی از امیر خسرو دهلوی (با همکاری گروهی از دانشمندان).
  ۲۲. نامه‌های قطشاهیه.
  ۲۳. نامه‌های عادلشاهیه.
  ۲۴. معمایی کاهی.
  ۲۵. رساله قافیة کاهی.
- استاد نذیر احمد در روز یکشنبه هجدهم اکتبر ۲۰۰۸ میلادی به‌دیار باقی شتافت.

**\* آیت‌الله سید عبدالعزیز طباطبایی «محقق طباطبایی» (۱۳۷۴-۱۳۰۸ خورشیدی)**

آیت‌الله سید عبدالعزیز طباطبایی، ۲۱ جمادی‌الثانی ۱۳۴۸ هجری قمری برابر با چهارم آبان ۱۳۰۸ هجری شمسی. در خانواده‌ای علمی و ریشه دار در نجف اشرف به دنیا آمد. پدرش نوه دختری و مادرش نوه پسری فقیه بزرگ شیعه آیت‌الله العظمی سید محمد کاظم طباطبایی یزدی صاحب عروة الوثقی بود. خاندان سید یزدی، یکی از خاندان‌های مشهوری بودند که در حوزه علمیه نجف و فقاہت شیعه نقش مؤثری داشتند. محقق طباطبایی دوران کودکی خود را در چنین خانواده‌ای میان کتاب و کتابخانه و مدرسه گذراند و طبیعتاً استعداد این کودک خردسال با چنین شرایطی

پرورش پیدا می‌کرد. دوستان ایام کودکی وی، اذعان می‌کنند که او از همان سال‌ها متین و کم صحبت و بی‌تکلف بود.

از جمله کسانی که نقش مؤثری در روحیه پرتلاش و پرحوصله استاد محقق طباطبایی، در امر تحقیق و پژوهش داشت، علامه امینی صاحب کتاب *الغدیر رحمة الله علیه* بود.

محقق طباطبایی ضمن خاطرات دوران کودکی خود به کتاب‌هایی اشاره می‌کند که در کتابخانه مدرسه سید، توجهش را جلب کرده بودند و وی ساعاتی از وقت خود را به تهیه فهرستی از اسم این کتاب‌ها و نام نویسندگان آنها می‌گذراند. وی که در آن زمان، به خاطر سن کم خود، اجازه دست زدن

به کتاب‌ها را نداشته، مجبور بوده فقط آنچه بر عطف کتاب‌ها نوشته شده بود را یادداشت کند. این موضوع، نقش مؤثر محیط علمی او را در علاقه‌مندی به کتاب و کتابت از دوران کودکی به خوبی نشان می‌دهد.

محقق طباطبایی هشت ساله بود که مادرش را از دست داد، مادر او زن پاکدامن و خوش اخلاق و مؤمنی بود که از طرف پدر نوه آیت‌الله العظمی سید محمد کاظم یزدی و از طرف مادر نوه شیخ انصاری رحمه‌الله علیه بود. فقدان مادر در این سن کم، وابستگی او را به پدر بیشتر می‌کند. پدرش آیت‌الله سید جواد طباطبایی، دانشمندی پارسا و با تقوا بود و در پرورش دینی فرزند، تلاش فراوان داشت. محقق طباطبایی گاهی با علاقه فراوان از شب‌هایی که در مسجد تا به صبح کلمه به کلمه همپای پدر ختم قرآن می‌کرد یاد می‌کند. متأسفانه روزگار به این ایام فرصت چندانی نداد و محقق طباطبایی در همان سنین نوجوانی پدر را نیز از دست می‌دهد. او که در نوجوانی وارد تحصیلات حوزوی شده بود، با فقدان پدر، حجره مدرسه را از دست نمی‌دهد و خود را وقف مدرسه و کتاب و درس و بحث می‌کند. در این زمان وجود اساتید برجسته حوزه علمیه نجف در همه سطوح، مشوق تلاش وی در مطالعه بیشتر و رسیدن به درجات بالای علمی می‌شود. وی ادبیات صرف و نحو را نزد مرحوم سید هاشم حسینی تهرانی (۱۴۱۱ هـ.ق) مؤلف کتاب *علوم العربیه* و

توضیح‌المراد و منطق را نزد سید جلیل فرزند سید عبدالحی طباطبایی یزدی (۱۴۱۳ ه.ق.) فراگرفت. پس از آن در فلسفه شرح منظومه سبزواری را نزد آیت‌الله سید عبدالاعلی سبزواری و اسفار ملّا صدرا را نزد شیخ صدرا بادکوبی (۱۳۹۲ ه.ق) فراگرفت. شرح لمعه را در محضر میرزا حسن نبوی و شیخ ذبیح الله قوچانی و قوانین میرزای قمی را از آیت‌الله سید علی علامه فانی اصفهانی (۱۴۰۹ ه.ق) تلمذ نمود. آنگاه دروس عالی سطح را در محضر شیخ عبدالحسین رشتی (۱۳۷۳ ه.ق) مؤلف شرح کفایه و کشف‌الاشتباه، و شیخ مجتبیٰ لنگرانی (۱۴۰۶ ه.ق) مؤلف کتاب اوفی‌البیان به پایان برد.

سرانجام درس خاج فقه و اصول را از محضر آیت‌الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی (۱۳۸۲ ه.ق) و آیت‌الله العظمی حاج سید ابوالقاسم موسوی خویی (۱۳۱۴ ه.ق.) کسب دانش نمود.

محقق طباطبایی در سال ۱۳۲۹ ه.ش. ازدواج می‌کند. همسر وی، فرزند آیت‌الله حاج سید اسدالله طباطبایی یزدی آخرین پسر آیت‌الله العظمی سید محمد کاظم یزدی بود. مرحوم سید اسدالله طباطبایی مدیر و مؤسس مدرسه ثانی سید یزدی بود و با رفتاری عالمانه و خلقی کریم - که زبانزد خاص و عام بود - فعالیت‌های علمی و اجتماعی خاندان صاحب عروه را ادامه می‌داد.

محقق طباطبایی در طی تحصیلات خود با کتاب‌ها و مصادر علوم اسلامی آشنا می‌شود و با گرایش شدیدی که در شناخت منابع و رجال داشت غرق دنیای کتابشناسی و نسخ خطی می‌شود. تابستان هر سال با سفر به ایران، به کتابخانه‌های خصوصی و عمومی مراجعه می‌کند و ضمن مطالعات فراوان یادداشت‌های زیادی تهیه می‌نماید. در سه سفر حج نیز در کتابخانه‌های مکه و مدینه نسخ خطی نفیسی را می‌بیند و برخی از آنها را به‌طور کامل استنساخ می‌کند. همچنین در تابستان سال ۱۳۴۲ ه.ش. از عراق به سوریه و لبنان سفر می‌کند و در یک اقامت سه ماهه، در کتابخانه‌های ظاهریه، مجمع علمی دمشق، کتابخانه اوقاف حلب و کتابخانه دانشگاه آمریکایی بیروت مطالعات زیادی انجام می‌دهد و به‌گفته خود ایشان، در این سفر با دیدن این کتابخانه‌ها دنیای تازه‌ای به‌روی وی گشوده می‌شود.

آشنایی و الفت محقق طباطبایی با دانشمند بزرگ و کتابشناس با عظمت، مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی، تأثیر بسیاری در شخصیت علمی وی ایجاد می‌کند. یادداشت‌هایی را که از سفرهای متوالی به ایران به همراه می‌آورد، هر بار در اختیار شیخ آقابزرگ تهرانی قرار می‌دهد تا هم از زیر چشم تیزبین استاد بگذرد و او را راهنمایی کند و هم برای تدوین دایرةالمعارف بزرگ کتابشناسی شیعه، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، مورد استفاده قرار گیرد. محقق طباطبایی تا پایان عمر، شیفته استاد بود و از او به عظمت و بزرگواری یاد می‌کرد. وی از همان سال‌های چاپ الذریعة، فکر نوشتن مستدرکی را برای آن در سر می‌پروراند، اما متأسفانه چاپ کتاب به‌کندی پیش می‌رفت و نوشتن مستدرک را به تأخیر می‌انداخت. از این رو محقق طباطبایی اقدام به استنساخ متن کامل کتاب الذریعة نمود - که چاپ جلد‌های ۱۳ و ۱۴ الذریعة نیز برای آن که سریع‌تر چاپ شود، از روی همین نسخه در نجف چاپ شد. وی در سال ۱۳۹۹ ه.ق. دست به کار تدوین مستدرک الذریعة شد و شروع به جمع‌آوری و فیش کردن کتاب‌هایی نمود که نام آن‌ها در الذریعة نیامده است. محقق طباطبایی بیشتر وقت خود را تا پایان عمر یعنی هفتم ماه رمضان ۱۴۱۵ ه.ق صرف تدوین این اثر گرانسنگ نمود و گنجینه‌ای بالغ بر یازده هزار فیش بر جای نهاد.

همچنین، از جمله کسانی که نقش مؤثری در روحیه پرتلاش و پرحوصله او، در امر تحقیق و پژوهش داشت، علامه امینی صاحب کتاب الغدير رحمة الله عليه بود. محقق طباطبایی به مدت ۲۵ سال پیوسته در کنار علامه امینی به جمع نسخ خطی و اداره کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف می‌گذراند و بسیاری از مایه علمی خود را مدیون شاگردی وی می‌داند. محقق طباطبایی ضمن ارتباط علمی خود با علامه امینی، وی را در تهیه منابع کتاب گرانسنگ الغدير یاوری می‌کند و در طی سفرهای خود به کتابخانه‌های ایران و ترکیه، در به‌ثمر رسیدن تحقیقات علامه امینی نقش به‌سزایی را ایفا می‌کند. بعد از سفری که محقق طباطبایی در سال ۱۳۴۲ به سوریه و لبنان داشت، دو سفر دیگر نیز همراه با فرزند علامه امینی به سوریه و ترکیه می‌رود، علامه امینی هم که در ایران به سر می‌برد به آنان می‌پیوندد و به علت کسالت نمی‌تواند

در ترکیه بماند و ناچار به بازگشت می‌شود. در آن سفر محقق طباطبایی در ترکیه می‌ماند و مقدار زیادی از نسخ نفیس را برای کتابخانه امیرالمؤمنین عکس‌برداری می‌کند. محقق طباطبایی که مدتی سرپرستی این کتابخانه را بر عهده داشت، نسخ خطی کتابخانه را در سه جلد تنظیم می‌کند. این فهرست اکنون به صورت متوالی در مجله تراثنا منتشر می‌شود.

وی در سال ۱۳۹۷ ق نجف را ترک می‌کند و عازم ایران می‌شود و در قم سکنی می‌گزیند. ایشان در قم، در ادامه راه دو استاد بزرگ خود، مشغول به تکمیل مستدرک و تعلیقاتی که بر الدررعه و الغدیر داشت می‌شود. وی همیشه از استاد خود آیت‌الله میرزا محمد علی اردوبادی (۱۳۸۰ هـ ق) به بزرگی یاد می‌کرد و یکی از خصوصیات بارز او را کمک علمی به دیگران در تحقیق و رفع مشکلات علمی می‌دانست. محقق طباطبایی، خود نیز، راه و روش استاد را در پی می‌گیرد و منزل و کتابخانه خود را در اختیار محققین و پژوهشگران قرار می‌دهد، به طوری که خانه ایشان، روز و شب محل تردد اهل قلم می‌شود و گاهی حدود ده ساعت از شبانه روز خود را صرف راهنمایی و تکمیل آثار دیگران می‌کرد. مؤسسات مختلف تحقیقات اسلامی در ایران وجود ایشان را مغتنم دانسته، در تحقیقات خود به ایشان مراجعه می‌کردند. از جمله مؤسساتی که محقق طباطبایی با ایشان همکاری می‌نمود، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی و بنیاد بعثت را می‌توان نام برد.

محقق طباطبایی برای بازدید از نسخ خطی به بسیاری از شهرهای ایران مسافرت نمود و با بسیاری از دانشمندان ملاقات کرد. کتابخانه‌های بسیاری را دید و یادداشت‌های بی شماری تهیه نمود. همچنین یک بار دیگر نیز از ایران به ترکیه عزیمت نمود و به مدت دو ماه در کتابخانه‌های ترکیه، از جمله کتابخانه احمد ثالث، ایاصوفیا، لاله‌لی، کوپرلی، فیض الله افندی، فاتح، جارالله ایوب، قلیچ علی پاشا و ولی‌الدین جارالله افندی، به مطالعه پرداخت و نسخه‌های نایاب و ارزشمندی را فهرست نمود. محصول این سفر چند دفتر نسخه‌های خطی ترکیه و چند دفتر احادیث مربوط به فضائل و مناقب اهل بیت علیهم‌السلام، از منابع حدیثی، تفسیری،

تاریخی و اعتقادی مهمّ و چاپ نشده اهل سنت است که مجموعه آنها را «نتائج الأسفار» نامید.

همچنین در سفرهایی که به کشورهای دیگر داشت مجموعه مهمی از میکروفیلم‌ها و نسخ عکسی از کتابخانه‌های مختلفی چون کتابخانه موزه بریتانیا و کتابخانه بادلیان آکسفورد در انگلستان، کتابخانه دارالکتب الظاهریه در دمشق و اسماعیل پاشا در حلب، کتابخانه دانشگاه ریاض عربستان، کتابخانه بلدیه اسکندریه و دارالکتب المصریه در مصر، کتابخانه خدابخش پتنا و ناظریه لکهنو در هندوستان، کتابخانه جامع کبیر صنعاء یمن، کتابخانه چستریتی ایرلند، کتابخانه میلان ایتالیا، کتابخانه ملی پاریس، و... تهیه کرد. این مجموعه اکنون در کتابخانه محقق طباطبایی در قم نگهداری می‌شود و مورد استفاده محققین می‌باشد.

محقق طباطبایی با بسیاری از دانشمندان و اسلام‌شناسان دنیا مخصوصاً در کشورهای عربی ارتباط داشت و در ایجاد ارتباط علمی بین پژوهشگران داخل کشور با دنیای عرب نقش مؤثری داشت.

#### فهرست آثار

۱. مستدرک الذریعة.
۲. أضواء علی الذریعة.
۳. تهذیب الذریعة.
۴. تعليقات علی طبقات أعلام الشیعة.
۵. معجم أعلام الشیعة.
۶. چاپ اول، انتشارات مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لإحياء التراث، قم، ۱۳۷۵ هـ ش، ۵۲۸ ص، شابک: ۵-۳۱۹-۳۱۹-۹۶۴.
۷. الحاشیة علی کتاب الغدير.
۸. علی ضفاف الغدير.
۹. الغدير فی التراث الإسلامی.
۱۰. چاپ اول، دارالمورخ العربی، بیروت، ۱۳۷۲ هـ ش، ۳۳۶ ص.
۱۱. چاپ اول، انتشارات الهادی، قم، ۱۳۷۴ هـ ش، ۳۴۲ ص.



١٢. من فيض الغدير.
١٣. أهل البيت عليهم السلام في المكتبة العربية.
١٤. چاپ اول، انتشارات مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم، ١٣٧٥ هـ ش، ٧٢٨ ص، شابک: ٩٦٤-٣١٩-٠٣٢-٣.
١٥. فهرس مخطوطات مكتبة أمير المؤمنين عليه السلام العامة في النجف الأشرف.
١٦. نتائج الأسفار.
١٧. نصوص و مقتطفات من نفائس المخطوطات.
١٨. فهرست نسخ خطی حدیث در کتابخانه آستان قدس رضوی.
١٩. فهرست نسخ خطی فقه در کتابخانه آستان قدس رضوی.
٢٠. فهرس المختارات من مخطوطات تركيا.
٢١. الفهرس الوصفی للمنتخب من المخطوطات العربية في مكتبات تركيا.
٢٢. فهرس المنتخب من مخطوطات تبريز.
٢٣. فهرس المنتقى في مخطوطات الحجاز.
٢٤. فوائد الأسفار.
٢٥. في رحاب نهج البلاغة.
٢٦. قيد الأوابد و جمع الشوارد.
٢٧. مخطوطات اللغة العربية.
- منتشر شده در مجلد دوم مجموعه «المحقق الطباطبائي في ذكراه السنوية الاولى»، انتشارات مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ١٣٧٥ هـ ش.
٢٨. مذكرات المتحف البريطاني.
٢٩. مكتبة العلامة الحلبي.
- چاپ اول، انتشارات مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم، ١٣٧٤ هـ ش، ٢٦٤ ص، شابک: ٩٦٤-٣١٩-٠٠٩-٩.
٣٠. ملحق سند حدیث الثقلين.
- منتشر شده در جلد دوم «نفحات الأزهار» تأليف علامه سيد علي اصغر ميلاني، ص ٨٥-٢٢١.

٣١. المهدي عليه السلام في السنة النبوية.
٣٢. قبسات من فضائل أمير المؤمنين عليه السلام.  
چاپ اول، انتشارات دليل، قم، ١٣٧٩ هـ ش، ٩٢ ص، شابک: ٥-١٧-٧٠٠٧-٩٦٤/
- چاپ دوم، انتشارات دليل، قم، ١٣٨١ هـ ش.
٣٣. أنباء السماء برزية كربلاء.
٣٤. الحسين والسنة.
- چاپ اول، انتشارات مدرسه جهل ستون، تهران، ١٣٥٥ هـ ش، ١٤٩ ص.
٣٥. حياة السيد محمد كاظم الطباطبائي اليزدي.
٣٦. حياة الشيخ يوسف البحراني.
- ابتدا در ضمن كتاب حدائق و سپس به صورت مستقل در نجف اشرف منتشر شد.
٣٧. الشيخ المفيد وعطاؤه الفكري الخالد.
٣٨. بخش اول، تراثنا، ش ٣٠ و ٣١، ١٤١٣ ق.
٣٩. بخش اول و دوم، كنگره شيخ مفيد، قم، ١٤١٣ ق.
٤٠. بخش اول، سلسله مؤلفات الشيخ المفيد، دارالمفيد، بيروت، ١٤١٤ ق.

#### تصحيح و تحقيق

- طرق حديث من كنت مولاه فعلى مولاه/شمس الدين الذهبي.
- چاپ دوم، انتشارات دليل، قم، ١٣٧٩ هـ ش، ١٥٩ ص.
- چاپ دوم، انتشارات دليل، قم، ١٣٨١ هـ ش، شابک: ٥-٠٦-٧٩٩٠-٩٦٤.
- مقتل أمير المؤمنين عليه السلام/ابن أبي الدنيا.
- تراثنا، شماره ١٢، سال ١٤٠٨ ق. صص ١٣٣-٧٩.
- الأربعون المنتقى من مناقب المرتضى/أبو الخير أحمد بن إسماعيل الطالقاني القزويني.
- تراثنا، شماره ١، سال ١٤٠٥ ق.
- ترجمه أمير المؤمنين عليه السلام من تاريخ مدينة دمشق/ابن عساكر الشافعي الدمشقي.
- مناقب أمير المؤمنين عليه السلام/أحمد بن حنبل.

- ترجمة الإمام الحسن عليه السلام من كتاب الطبقات الكبير/ابن سعد. چاپ اول، انتشارات مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ١٤١٦ ق، ١٢٦ ص، شابک: ٩٦٤-٥٥٠٣-٩٢-٢.
- ترجمة الإمام الحسين عليه السلام من كتاب الطبقات الكبير/ابن سعد.
- چاپ اول، انتشارات مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم، ١٤١٥ ق.
- چاپ دوم، انتشارات مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، بيروت، ١٤١٦ ق، ١٢١ ص، شابک: ٩٦٤-٥٥٠٣-٤٧-٧.
- ترجمة الإمام الحسين عليه السلام من كتاب بغية الطلب في تاريخ حلب/كمال الدين بن العديم بن أبي جرادة الحلبي.
- چاپ اول، انتشارات دليل ما، قم، ١٣٨١ هـ ش، ٢٥٤ ص، شابک: ٩٦٤-٧٥٢٨-٩١-٤.
- فهرس كتب الشيعة وأصولهم/شيخ الطائفة محمد بن الحسن الطوسي.
- چاپ اول، مكتبة المحقق الطباطبائي، قم، ٦٧٦ ص، ١٤٢٠ ق، شابک: ٩٦٤-٣١٩-١٩٦-٦.
- عقد الدرر في أخبار المهدي المنتظر/يوسف بن يحيى السلمى الشافعى الدمشقى.
- العقود الاثني عشر في رثاء سادات البشر/السيد مهدي بحر العلوم.
- تراثنا، شماره ١٠، سال ١٤٠٨ ق.
- فرائد السمطين في فضائل المرتضى والبتول والسبطين/صدرالدين إبراهيم بن محمد بن حمويه الحموي الشافعى الدمشقى.
- فهرست أسماء علماء الشيعة و مصنفهم/الشيخ منتجب الدين بن بابويه الرازي.
- چاپ اول، منشورات المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، قم، ١٤٠٤ ق، ٢٤٦ ص.
- مطالب السؤول في مناقب آل الرسول.
- چاپ اول، انتشارات مؤسسه البلاغ، بيروت، ١٩٩٩ م، ٣٢٥ ص.
- مكتبة العلامة الكراچكى/أحد معاصرى الكراچكى.
- تراثنا، شماره ٤٤-٤٣، سال ١٤١٦ ق.

## استساخها

- الأبحاث المفيدة في تحصيل العقيدة/الحسن بن يوسف بن المطهر الحلبي.
- أدب التاريخ/الشيخ علي بن حسين آل البازي.
- الباب الحادي عشر/الحسن بن يوسف بن المطهر الحلبي.
- البرهان في علامات مهدي آخر الزمان/علي بن حسام الدين المتقي.
- تراجم أعلام ساقطة من نقباء البشر/آقابزرگ الطهراني.
- تلخيص البيان في علامات مهدي آخر الزمان/علي بن حسام الدين المتقي.
- الدارات/الأصمعي.
- الذريعة إلى تصانيف الشيعة/آقابزرگ الطهراني.
- ذكر مخاطبة جرت بين أبي إسحاق إبراهيم بن السري الزجاج و أبي العباس أحمد بن يحيى ثعلب في مواضع أنكرها عليه وغلط فيها من كتاب فصيح الكلام.
- الرد على من حكم وقضى أن المهدي الموعود جاء ومضى/نورالدين علي المتقي.
- رسالة في إعجاز سورة الكوثر/الزمخشري.
- به تحقيق حامد الخفاف، تراثنا، شماره ١٣، سال ١٤٠٨ ق.
- رسالة في تحريم الفجاء/شيخ الطائفة الطوسي.
- به تحقيق رضا استادي، الرسائل العشر، مؤسسة النشر الإسلامي، قم، ١٣٦١ ش.
- رسالة في التذكير والتأنيث.
- رسالة في رد من أنكر أن عيسى إذا نزل يصلي خلف المهدي صلاة الصبح/جلال الدين عبدالرحمن بن أبي بكر السيوطي.
- رسالة في عمل اليوم والليله/شيخ الطائفة الطوسي.
- رسالة في الفرق بين النبي والإمام/شيخ الطائفة الطوسي.
- شرح قصيدة المفجع/محمد بن أحمد بن عبدالله البصري.
- صفات الشيعة/الشيخ الصدوق.
- العرف الوردی في أخبار المهدي.
- عقود حياتي/محمد حسين آل كاشف الغطاء.
- فضائل أهل البيت من كتاب الكامل لابن عدي.

- الليل والنهار/أبو الحسن أحمد بن فارس اللغوى.
- به تحقیق حامد الخفاف، تراثنا، شماره ۱۴، سال ۱۴۰۹ ق/چاپ اول، دارالمورخ العربی، بیروت، ۱۹۹۳ م.
- مختصر فی علم الکلام/المحقق الحلّی.
- مذکرات الحجّة الشیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء.
- مزیل اللبس عن حدیث ردّ الشمس/محمد بن یوسف الدمشقی الصالحی.
- معارج الوصول إلى معرفة فضل آل الرسول والبتول/محمد بن یوسف بن الحسن المدنی الزرنندی.
- معجم شیوخ ابن عساکر.
- مفرحة الأنام فی تأسيس بيت الله الحرام/زين العابدين بن نورالدین الحسينی.
- المفصح فی الإمامة/شیخ الطائفة الطوسی.
- مناقب علی بن أبی طالب/ابن المغازلی علی بن محمد الواسطی.
- نظم البراهین فی أصول الدین/الحسن بن یوسف بن المطهر الحلّی.
- واجب الاعتقاد/العلامة الحلّی.

#### مقالات

- (۱) ابن طلحة/دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- (۲) ابو الخیر طالقانی/دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- (۳) أهل البيت عليهم السلام فی المكتبة العربية/تراثنا.
- (۴) حدیث الغدير: رواته قلیلون للغایة. کثیرون للغایة/کنگره غدیر لندن.
- (۵) شخصیت علمی و مشایخ شیخ طوسی/میراث اسلامی ایران.
- (۶) الشیخ المفید و عطاؤه الفکری الخالد/کنگره شیخ مفید.
- (۷) الغدير فی التراث الإسلامی/تراثنا.
- (۸) فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آقای حاج سید محمد طباطبایی قاضی تبریزی/ نشریه دانشگاه تهران.
- (۹) فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ثقة الاسلام در تبریز/نشریه دانشگاه تهران.

- (۱۰) فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مزار عبدالقادر گیلانی در بغداد/نشریه دانشگاه تهران.
- (۱۱) ما تبقى من مخطوطات نهج البلاغه/تراثنا.
- (۱۲) ما قبل فی نهج البلاغه من نظم و نثر/تراثنا.
- (۱۳) ما ينبغي نشره من التراث/تراثنا.
- (۱۴) مخطوطات نهج البلاغه، طبعاته، منتخباته، ترجماته إلى شتى اللغات/تراثنا.
- (۱۵) المدونات التاريخية لواقعة الطف/کنگره حسین دی در لندن.
- (۱۶) من تراثنا الخالد فی شیراز/میراث اسلامی ایران.
- (۱۷) موقف الشيعة من هجمات الخصوم و خلاصة عن كتاب عبقات الأنوار/تراثنا.
- (۱۸) نهج البلاغه عبر القرون/تراثنا.

### متفرقات

- (۱) معرفی چند نسخه خطی از کتابخانه وزیری یزد و کتابخانه ملک.
- (۲) معرفی چند نسخه خطی از دانشگاه آمریکایی بیروت.
- (۳) معرفی چند نسخه خطی از فهرست نسخ خطی عربی ماخ در دانشگاه پرینستون، مجموعه یهودا.
- (۴) معرفی چند نسخه خطی از کتابخانه آیت الله حکیم در نجف اشرف.
- (۵) معرفی چند نسخه خطی از کتابخانه چستربیتی.
- (۶) نسخ خطی کتابخانه حاج عالم در شیراز.
- (۷) کتابخانه‌های ترکیه و آمار نسخ خطی آنها.
- (۸) معرفی چند نسخه خطی در کتابخانه‌های ترکیه.
- (۹) وصیت‌نامه آیت الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی از دستخط شیخ محمد حسین کاشف‌الغطاء.
- (۱۰) وقف‌نامه کتابخانه امیرالمؤمنین در نجف اشرف.
- (۱۱) وصیت‌نامه علامه امینی.

- (۱۲) مجموعه نامه‌ها و مکاتبات سیاسی از آیت‌الله حکیم، کاشف‌الغطاء، عبدالکریم قاسم، ملک فیصل و... .
- (۱۳) فهرست فضائل علی بن ابی‌طالب از احمد بن حنبل برحسب مسانید.
- (۱۴) مالک بن انس و بغضه لأمیرالمؤمنین علیه‌السلام.
- (۱۵) معرفی چند نسخه خطی از موزه بریتانیا.
- (۱۶) تصحیحات تکمله الأمل.
- (۱۷) الأربعین التساعیات للحموئی.
- (۱۸) مشایخ مؤلف فرائد السمطين عن کتاب الأربعین.
- (۱۹) فضائل أميرالمؤمنين من مصادرالعامة.
- (۲۰) شرح حال مولی محسن فیض کاشانی: مشایخ، شاگردان، مؤلفات... .
- (۲۱) تراجم بعض علما.
- (۲۲) عهد المأمون إلى الإمام الرضا علیه‌السلام و جواب الإمام الرضا علیه‌السلام.
- (۲۳) شیوخ ابن عساکر.
- (۲۴) تقریرات درس اصول آیت‌الله العظمی خوئی از ابتدای موضوع علم تا انتهای مبحث معنای حرفی.
- (۲۵) نفائس مخطوطات کتابخانه آستان قدس رضوی.
- (۲۶) معرفی چند نسخه خطی از کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- (۲۷) شرح حال سدیدالدین حمصی.
- (۲۸) معرفی چند نسخه خطی از کتابخانه غرب همدان در مدرسه آخوند، کتابخانه ملی، کتابخانه سپهسالار، ملک و... .
- (۲۹) امتتخب فضائل و مثالب از الاستیعاب، العلل و معرفةالرجال، موضح أوهام الجمع و التفریق، مسند أبی داود الطیالسی، تذکرةالحفّاظ و... .
- (۳۰) پیرامون مشروعیت بکاء بر میّت.
- (۳۱) روات فضائل اهل بیت علیهم السلام.
- (۳۲) الآیات النازلة فی أهل البیت علیهم السلام با ذکر مصادر مهم و کهن در باب هر آیه.

- (۳۳) چند نسخه از مدرسه مروی.
- (۳۴) نسخ خطی کتابخانه اوقاف در حلب.
- (۳۵) منتخب فهرست میکروفیلم‌های دانشگاه تهران.
- (۳۶) منتخب فهرست مدرسه سپهسالار کتابخانه عمومی مراغه و کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی و مدرسه علوی خوانسار.
- (۳۷) نسخ خطی کتابخانه ملا فیروز در بمبئی.
- (۳۸) مخطوطات البلاد الهندية از یادداشت‌های شیخ عزیزالله عطاردی خوشانی.
- (۳۹) نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه الحجازیین در قم، کتابخانه احمد ثالث و فیض‌الله افندی و ایاصوفیا.
- (۴۰) شرح حال بعضی از اعلام معاصرین.
- (۴۱) در باب وضع علم نحو توسط امیرالمؤمنین.
- (۴۲) مشایخ الصدوق فی خاتمة المستدرک.
- (۴۳) معجم رجال آسانید مناقب امیرالمؤمنین لابن المغازلی.
- (۴۴) استدراک طبقات از اجازات و قراءات نسخ.
- (۴۵) نسخ خطی چند کتابخانه شخصی و عمومی: شیخ محمد آخوندی، فرهنگ اصفهان، مدرسه سلیمان خان، مدرسه سلطانی کاشان، مسجد گوهرشاد، مدرسه نواب، کتابخانه آیت‌الله بروجردی در نجف، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شیخ علی کاشف الغطاء و...

#### \* استاد سید امیر حسن عابدی

پروفسور سید امیر حسن عابدی فرزند سید شبیر حسن عابدی، استاد ممتاز دانشگاه دهلی (هند) در اوّل ماه ژوئیه ۱۹۲۱ میلادی (دهم تیرماه ۱۳۰۰ هجری شمسی) در شهر غازی‌پور ایالت اترپرادش (هند) متولد شد و تعلیمات ابتدایی و دبیرستانی را به ترتیب در شهر لکهنو و شهر بنارس (واراناسی) طی نموده وارد کالج سن‌ژان آگرا شد و دانشنامه فوق لیسانس را با درجه اوّل و احراز مقام اوّل در دانشگاه از



دانشگاه آگره دریافت کرد و سپس از همان دانشگاه به دریافت دانشنامه دکتری فارسی نایل آمد.

دکتر عابدی در سال ۱۹۵۵ میلادی (۱۳۳۴ ه.ش) با استفاده از بورس دانشگاه تهران به ایران رفت و پس از گذراندن دوره دکتری به دریافت «دانشنامه دکتری زبان و ادبیات فارسی» از دانشگاه تهران نایل آمد.

در سال ۱۹۴۵ میلادی (۱۳۲۴ ه.ش) به سمت معلم فارسی و اردو در کالج سنت استفن دانشگاه دهلی مشغول به تدریس گردید. در سال ۱۹۵۸ میلادی (۱۳۳۷ ه.ش) مجله آهنگ به زبان فارسی در دهلی منتشر شد و نظارت این مجله نیز به ایشان واگذار شد. در همین سال دکتر عابدی فعالیت ادبی خود را توسعه داد و به دعوت دانشگاه کابل به افغانستان رفت و ضمن بازدید از کتابخانه‌های افغانستان نسخ خطی درباره تاریخ ادبیات فارسی در هند جمع‌آوری کرد. در سال ۱۹۶۹ میلادی (۱۳۴۸ ه.ش) کرسی استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه دهلی دایر گردید و دکتر عابدی با ارتقاء به مقام پروفیسور برای سمت مزبور و ریاست شعبه فارسی و عربی دانشگاه دهلی برگزیده شد. در ماه ژوئن ۱۹۶۹ میلادی (۱۳۴۸ ه.ش) پروفیسور عابدی به دعوت وزارت فرهنگ و هنر ایران برای بازدید از ایران به تهران رفت و در این سفر بنیاد فرهنگ ایران چند جلد کتاب را که ایشان نگاشته و مرتب کرده بودند، برای انتشار پذیرفت. در ماه اکتبر ۱۹۷۱ میلادی (۱۳۵۰ ه.ش) پروفیسور عابدی مجدداً به ایران دعوت شد و در کنگره جهانی ایران‌شناسی که در شیراز برپا شده بود، شرکت کرد.

در سال ۱۹۷۴ میلادی، پروفیسور عابدی به دعوت دولت ترکیه بازدید از آن کشور به عمل آورد و از این فرصت استفاده نموده مطالبی درباره تاریخ ادبیات فارسی در هند را از نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه و موزه‌های مختلف آن کشور جمع‌آوری کرد. در این سفر ایشان در دانشگاه انقره سخنرانی ایراد کرد.

در سال ۱۹۷۵ میلادی (۱۳۵۴ ه.ش)، پروفیسور عابدی در سمینار «امیر خسرو دهلوی، شاعر و نویسنده معروف فارسی در هند» در کتابخانه خدابخش در شهر پتنا (هند) سخنرانی مبسوط ایراد نمود و خدمات بیش بهای آن مرحوم را برشمرد.

پروفسور عابدی در کنفرانس گرایش‌های ادبی در آسیای مرکزی که در تهران برپا شد و به دعوت کمیسیون ملی ایران برای یونسکو در نخستین جشنواره طوس و جشن یادبود دقیقی که در دانشگاه فردوسی در مشهد برگزار شده بود، شرکت کرد. در سال ۱۹۷۶ میلادی (۱۳۵۵ ه.ش) پروفسور عابدی به مدیریت سمینار بین‌المللی امیر خسرو دهلوی که در دهلی‌نو برگزار شد برگزیده شد.

پروفسور عابدی خدمات ادبی نیز در سمت‌های دیگر انجام داد، مثل رئیس کمیته مطالعات فارسی و عربی در سازمان مرکزی تعلیمات دبیرستانی دهلی، عضو هیئت مشورتی مؤسسه مطالعات و تحقیقات فارسی در سطح فوق لیسانس ایالت بهار (هند)، عضو هیئت مطالعات فارسی در دانشگاه هندوی بنارس و دانشگاه پتنا و دانشگاه گجرات و دانشگاه بهوپال و دانشگاه عثمانیه حیدرآباد و دانشگاه پنجابی و دانشگاه جامعه ملیه اسلامیّه (دهلی‌نو) و عضو کمیته خرید آثار هنری و ادبی موزه ملی هند (دهلی‌نو).

علاوه بر خدمات ادبی فوق‌الذکر پروفسور عابدی کتب متعددی منتشر ساخت. تعداد سخنرانی و مقالاتی که پروفسور عابدی ایراد کرده و به چاپ رسانده از ۲۵۷ تجاوز می‌کند و بیشتر آنها در مجلات و نشریات معتبر و یادبودنامه‌ها و یادواره‌ها در هند و کشورهای دیگر انتشار یافته‌اند. دانشگاه دهلی نیز سه جلد کتاب پروفسور عابدی را تحت برنامه کمیسیون کمک به دانشگاه‌ها که سازمان تام‌الاختیار دولت هند می‌باشد، به چاپ رسانده است.

در ۱۵ اوت ۱۹۷۲ میلادی (۱۳۵۱ ه.ش) که سالگرد روز آزادی هند می‌باشد رئیس جمهور هند به پاس خدمات پروفسور عابدی به زبان فارسی و ادبیات آن در هند تقدیرنامه‌ای به پروفسور اعطا کرد و در سال ۱۹۷۵ میلادی (۱۳۵۴ ه.ش) حکومت ملی دهلی نیز به خاطر تقدیر از خدمات پروفسور عابدی به مطالعات ایران‌شناسی و ادبیات در هند جایزه ساهتیه کلا پریشاد را به ایشان اعطا نمود. دانشگاه دهلی نیز به خاطر تجلیل از این استاد برجسته عنوان استاد (پروفسور) ممتاز را پس از بازنشستگی به ایشان داد. ایشان از طرف غالب انستیتوت و انجمن مفاخر فرهنگی تهران هم تقدیر شده است.

در اینجا لازم به تذکر است که آقای دکتر سید امیر حسن عابدی که در سرتاسر هند «بابای زبان فارسی» شناخته شده‌اند، به گرفتن «اولین جایزه فارسی جشنواره بین‌المللی فارابی» برای اثر ذی‌قیمت‌شان «منتخب‌اللطفایف» نایل آمدند. ایشان به‌علت پیری و سالخوردگی نتوانستند عازم ایران شوند، جایزه‌شان توسط آقای دکتر علی‌رضا فروه مدیر مرکز تحقیقات فارسی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران دهلی‌نو به‌دهلی رسیده و در جشنی که در خانه فرهنگ تشکیل شد، توسط رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران جناب آقای دکتر کریم نجفی اهدا گردید.

به‌مناسبت بزرگداشت پنجاهمین سالگرد روابط فرهنگی نوین ایران و هند و در مراسم «جشن زرین» این روی‌داد بزرگ (۲۲ دی ۱۳۸۵)، «نخستین دوره جایزه سعدی» نیز جایزه‌ای توسط آقای زرگر یعقوبی سفیر محترم جمهوری اسلامی ایران و رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران دهلی‌نو جناب آقای شفیع شکیب به‌روز ۲۲ بهمن ماه ۱۳۸۵ هـ.ش/۱۱ فوریه ۲۰۰۷ م به‌استاد اعطا شده است.

### مهم‌ترین تألیفات استاد عابدی

۱. نمایشنامه وکرم اوروشی، ترجمه از سانسکریت به زبان فارسی، دهلی‌نو، ۱۹۵۹ م.
۲. تصحیح متن نمایشنامه گلزار حال (طلوع قمر معرفت)، علیگره، ۱۹۶۱ م.
۳. تصحیح متن مثنویات فانی کشمیری، سرینگر، ۱۹۶۴ م.
۴. تصحیح متن یوگا واسیشتا (کتاب فلسفی هندوی) ترجمه از سانسکریت به فارسی، علیگره، ۱۹۶۸ م.
۵. تصحیح متن مثنوی سوز و گداز (سروده نوعی خوبشانی)، چاپ بنیاد فرهنگ، تهران، ۱۹۷۰ م.
۶. تصحیح متن منتخب‌اللطفایف، چاپ بنیاد فرهنگ، تهران، ۱۹۷۱ م.
۷. تصحیح متن مثنوی پدماوت (داستان عرفانی هندی)، چاپ بنیاد فرهنگ، تهران، ۱۹۷۲ م.
۸. تصحیح متن تاریخ سلاطین صفوی، چاپ بنیاد فرهنگ، تهران، ۱۹۷۳ م.
۹. تصحیح متن پنچاکیان، ترجمه از سانسکریت به فارسی، علیگره، ۱۹۷۳ م.
۱۰. ضمیمه تغلق‌نامه، انجمن هند و ایران، دهلی، ۱۹۷۵ م.

۱۱. احوال و آثار ابوطالب کلیم کاشانی، دهلی، ۱۹۸۳ م.
۱۲. ادبیات فارسی هند (مجموعه مقالات تحقیقی به زبان اردو)، دهلی، ۱۹۸۴ م.
۱۳. مثنوی عصمت‌نامه یا داستان مینا و لورک، چاپ مرکز تحقیقات زبان فارسی در هند، ۱۹۸۵ م.
۱۴. تصحیح دریای اسمار (ترجمه کتاسرت ساگر - بحرالاسمار) با همکاری دکتر تارا چند، از داستان‌های سانسکریت که به فارسی ترجمه شده از مصطفی خالق‌داد عباسی، چاپ دانشگاه اسلامی علیگره با همکاری مرکز تحقیقات فارسی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دهلی‌نو، بهمن‌ماه ۱۳۷۵ هـ/ش/فوریه ۱۹۹۷ م.
۱۵. تصوّف در هند، دهلی.
۱۶. تصحیح تاج‌المآثر، تألیف: تاج‌الدین حسن نظامی، مرکز تحقیقات فارسی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دهلی‌نو، تیرماه ۱۳۸۷ هـ/ش/جولای ۲۰۰۸ م.

### \* زندگی و آثار استاد احمد منزوی از زبان خودش

در شهر سامره از کشور عراق، به سال ۱۳۰۴ خ/۱۹۲۵ م برابر شناسنامه و در شش ۱۳۰۲ خ، در خانواده‌ای روحانی‌زاده شده‌ام، پدرم حاج شیخ آقابزرگ تهرانی، نگارنده دایرةالمعارف بزرگ کتابشناسی «الذریعه الی تصانیف الشیعه» هستند، و کار بزرگ دیگر ایشان «طبقات اعلام الشیعه» می‌باشد، که ایشان و کارهای ایشان نیاز به تعریف ندارند، مادرم مریم خانم دختر آقا سید احمد دماوندی، یکی از روحانیون روزگار خود بود، که فرزندان ایشان با نام خانوادگی آریان در تهران و ایران پراکنده هستند. پدرم در کنار مشروطه خواهان بودند، پس از آن‌که مشروطیت در مسیر دلخواه ایشان قرار نگرفت، به اصطلاح سیاست را بوسیده کنار گذاردند، و به دنبال انگیزه‌های دیگر که بیرون از این گفتار است، به کار نگارش «ذریعه» و «طبقات» پرداختند و شهر سامره را که دور از هر غوغایی بود گزیده، در انزوا به کار تحقیق پرداختند. من در این شهر چشم به جهان گشوده، تا ده سالگی در آن جا بودم. پدرم

در ۱۳۵۴ ق/ ۱۳۱۴ خ برای آغاز به کار چاپ «ذریعه» به نجف رفته و من با خانواده راهی این شهر شدیم.

کلاس ششم ابتدایی را در مدرسه علوی ایرانیان در شهر نجف گذراندم. ضمن تحصیل در یک دوزندگی به شاگردی می پرداختم، ادبیات فارسی را نزد عمویم حاج محمد ابراهیم بهشتی پور «جامع المقدمات» را نزد شاگردان پدر آموختم.

در مدت اقامت در پاکستان سفری به هند کردم و پایه «فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی در هند» را با کمک استادان هندی گذاردم، که در پی برگشتن آن کار نیز راکد ماند.

در سال ۱۳۲۲ خ برای ادامه تحصیل نجف را رها کرده به تهران آمدم. در مدرسه سپهسالار جای گزیدم، کلاس دوازده ادبی را همراه داوطلبان در مدرسه دارالفنون تهران گذراندم. و در خرداد ۱۳۲۷ خ از شعبه معقول

دانشکده معقول و منقول، که امروز دانشکده الهیات خوانده می شود، با درجه لیسانس به اصطلاح فارغ التحصیل شدم، و به کار دبیری در شهرستان انزلی پرداختم. در انزلی یکی از همکارانم به نام خدیجه جاویدی را به همسری گزیدم، که از این همسر دو دختر به نام های نسرین و شورا برایم بازمانده است. سفرم در انزلی طولی نکشید، که به رویداد ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ خ مصادف شد و پس از چندی زندان کوتاه مدت به تهران برگشتم. استادان گران سنگم در دانشکده نیاز به معرفی ندارند، بل برای تفاخر، از ایشان نام می برم: استاد بدیع الزمان فروزانفر، دکتر غلامحسین صدیقی، استاد احمد بهمنیار، استاد سید محمد مشکوة، استاد فاضل تونی، استاد سید محمدباقر سبزواری، استاد محمد تقی مدرّس رضوی، دکتر علی اکبر فیاض، استاد راشد و...

نخستین استادم در زمینه کتابشناسی پدر بزرگوام بودند که ۲-۳ سالی پس از انتقال از سامره به نجف، ایشان به چاپ «ذریعه» پرداختند و این ناچیز به هنگام غیاب برادر بزرگوام دکتر علی نقی، در کنار ایشان نشسته در غلط گیری چاپ، در ظاهر یاری ایشان می کردم و در واقع مرا به آموزش عملی این رشته واداشته بودند. بدین گونه به کار کتابشناسی کشانده شدم، و آموزش های نخستین را در محضر ایشان فراگرفتم.

آنگاه که به تهران آمدم، خدمت استادان این فن، برادر بزرگم دکتر علی نقی منزوی رسیدم که به فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران می‌پرداختند و کار همیشگی ایشان تحقیق و چاپ «ذریعه» بود و نیز استادان زنده یاد محمد تقی دانش‌پژوه، استاد ایرج افشار که عمرش دراز باد رسیدم، و در خدمت این استادان سه کار عمده را انجام دادم، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه شخصی استاد مفتاح، فهرست کتابخانه ملی ملک و سومین فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای ملی بود. این کارها چاپ شده‌اند.

حاصل کار من در تهران چاپ چند مجلد از «ذریعه» پدرم بود و چند مجلد فهرست از کتابخانه مجلس و ملک. و از همه مهمتر نگارش و چاپ ۶ مجلد «فهرست نسخه‌های خطی فارسی» نسخه‌هایی که عمدتاً در ایران وجود داشت و یا فیلم نسخه‌های آن در ایران بود. این فهرست از سوی مرکز فرهنگی R.C.D. سال‌های ۱۳۵۳-۱۳۴۸ خ چاپ و منتشر شده است، که در برگیرنده نزدیک به پنجاه هزار نسخه است.

اینجاست که احساس کردم برای فراهم ساختن «فهرست مشترک از همه نسخه‌های فارسی» لازم است سفری به شبه قاره هند کنم. در پاییز ۱۳۵۶ خ سفرم را به پاکستان، افغانستان و هند آغاز کردم، سفرم با هزینه شخصی بود و از راه زمین از زاهدان به کویته و از آنجا به دیگر شهرهای پاکستان و پیش از اقامتم در پاکستان سفری ۴۵-۴۰ روزه به افغانستان کردم. در برگشت به پاکستان از سوی دولت وقت در «مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان» گمارده شده و به کار تحقیق در نسخه‌های خطی فارسی پرداختم.

نزدیک به شانزده سال در پاکستان بودم، تا در پایان ۱۳۶۹ خ به علت پیری و فرتوتی و بیماری‌های پیاپی به تهران برگشتم. حاصل کارم در پاکستان نگارش و چاپ چهار مجلد «فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه گنج بخش» در سال‌های ۱۳۶۱-۱۳۵۷ بود، که تنها نسخه‌های فارسی را دربرمی‌گیرد. و فهرست نسخه‌های عربی موجود در آن کتابخانه را نیز فراهم ساخته و ماشین شده در انبار کتابخانه گنج بخش باقی گذاردم.

دیگر کارم در این دوره نگارش و چاپ «سعدی بر مبنای نسخه‌های پاکستان» است که به‌مناسبت هشتصدمین سالگرد سعدی ۱۳۶۳ چاپ شده است.

کار اصلی من در این دوره نگارش و چاپ چهارده مجلد «فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان»، مجلدهای ۱۳-۱ در سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۶۲ خ به‌علاوه مجلد چهاردهم که چاپ شده ۱۳۷۵ خ است که پیرامون ۵۲ هزار نسخه را دربردارد.

دیگر کارم در پاکستان پایه‌گذاری نگارش «فهرستواره کتاب‌های فارسی» است که تاکنون در تهران، در مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی دنبال می‌شود.

در مدت اقامتم در پاکستان سفری به‌هند کردم و پایه «فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی در هند» را با کمک استادان هندی گذاردم، که در پی برگزینم آن کار نیز راکد ماند. ولی از این سفر هند نیز دست خالی برنگزینم. چرا که فهرست نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه‌های عمومی و آرشیو پتیاله (پنجاب هند) را به‌جایی رساندم که بعدها به‌کوشش رایزنی فرهنگی ایران در هند، جناب سید باقر ابطحی ۱۳۷۷ خ چاپ شده است.

کار دیگرم در هند نظارت بر کار دانشجویان ایرانی و استادان هندی بر نگارش فهرست‌هایی از نسخه‌های خطی و فارسی در کتابخانه‌های هند بود، که یک مجلد ضخیم آن را برای بازبینی با خود به‌تهران آوردم. این مجلد «فهرست نسخ خطی کتابخانه ناصریه لکهنوی» است که هنوز چاپ نشده است.

پس از برگزینم به‌میهن (زمستان ۱۳۶۹ خ) به «مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی» و جناب آقای سید کاظم بجنوردی مراجعه کردم و طرح «فهرستواره» را که در پاکستان به‌اجرایش پرداخته و نیمه کاره رها کرده بودم، با ایشان در میان گذاردم. ایشان طرح «فهرست مشترک کتاب‌های جهان اسلام» را در دست داشتند، و من آن طرح را در شرایط کنونی عملی نمی‌دیدم. دو طرف پذیرفتیم که طرح «فهرستواره کتاب‌های فارسی» را به‌عنوان جزئی از آن طرح دنبال کنیم و چنین شد و اکنون با کمک‌های فنی و مالی دائرةالمعارف این طرح در حال اجراست، و تاکنون چهار مجلد پخش شده و مجلد ۵ و ۶ زیر چاپ است.

در این مرکز گذشته از پرداختن به «فهرستواره» و پاسخگویی به مراجعان بخش فهرست‌نویسی به دو کار دیگر می‌پرداختم:

الف- فهرست‌نویسی از نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه.

ب- فهرست‌نویسی از نسخه‌های عکسی این کتابخانه.

**الف- فهرست‌نویسی از نسخه‌های خطی:** تاکنون ۳ مجلد فهرست از نسخه‌های خطی موجود در این کتابخانه فراهم شده است که مجلد یکم آن به نام «فهرست نسخه‌های خطی مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، گنجینه اهدایی خاندان سلطان علی سلطانی به شیخ‌الاسلامی بهبهانی» تهران، ۱۳۷۷ خ، ۲+۴۷۲ صفحه چاپ شده است. این مجموعه دربرگیرنده ۵۲۸ مجموعه خطی است که ۲۲۵۰ عنوان کتاب و رساله بزرگ و کوچک را دربرمی‌گیرد و چند حلقه فیلم. مجلد ۲، ۳ این فهرست دربرگیرنده مجموعه خطی است که زیر چاپ است و شمار عنوان کتاب و رساله‌های بزرگ و کوچک آن نیاز به پایان رسیدن صفحه‌بندی این دو مجلد و یا بررسی دارد که وقت‌گیر است.

**ب- فهرست‌نویسی از نسخه‌های عکسی:** تاکنون ۲ مجلد فهرست از نسخه‌های عکسی موجود در این کتابخانه فراهم شده است. مجلد یکم ویژه نسخه‌های عکسی کتابخانه مشایخ در کرمان است که دربرگیرنده مجلد عکسی است و شمار عنوان کتاب و رساله‌های بزرگ و کوچک است که بسیاری از رساله‌های آن در هیچ‌یک از فهرست‌های چاپ ایران شناسایی نشده‌اند.

مجلد دوم فهرست نسخه‌های عکسی موجود در این کتابخانه، فهرست نسخه‌های عکسی است که از کتابخانه‌های درون و بیرون از ایران به تدریج گردآمده است، شمار کل این نسخه‌ها نزدیک به ۸۵۰۰ مجموعه عکسی است که تاکنون روی هم ۱۵۴۰ مجموعه از آنها فهرست شده و آماده چاپ است، شمار عنوان‌ها نیاز به بررسی بیشتر دارد.

#### تألیفات و تصحیحات

۱. مصفی‌المقال فی مصنفی عمل‌الرجال، نگاشته شادروان حاج شیخ آقابزرگ تهرانی، تصحیح و چاپ از «ابن المؤلف، احمد منزوی» تهران، ۱۳۵۵ خ، ۶۲۶ ستون.



۲. ۲ تا ۸ - همکاری با گروهی در نگارش و چاپ شش مجلد «فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی»، مجلدهای ۱۱ تا ۱۶، سال‌های ۴۸-۱۳۴۵ خ، روی هم ۲۶۶۸ صفحه.
۳. ۹ تا ۱۶ - ویرایش و چاپ هشت مجلد «الذریعه الی تصانیف الشیعه» کار ارزنده زنده یاد پدرم. مجلدهای ۱۶ تا ۲۳، سال‌های ۵۴-۱۳۴۶ خ، روی هم ۳۳۰۵ صفحه.
۴. ۱۷ تا ۲۵ - همکاری با گروهی در نگارش «فهرست کتابخانه ملی ملک» مجلدهای ۱ تا ۹، سال‌های ۷۱-۱۳۵۲ خ، روی هم ۴۲۰۶ صفحه.
۵. ۲۶ تا ۳۱ - نگارش سیزده مجلد «فهرست نسخه‌های فارسی» مجلدهای ۱ تا ۶، انتشارات R.D.C، سال‌های ۵۳-۱۳۴۸ خ، روی هم ۴۷۲۶ صفحه.
۶. ۳۲ تا ۳۴ - تحریر و تنظیم و تحشیه دو مجلد «ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری» ترجمه و تحریر بر گل روسی به‌روسی، مجلدهای ۱ و ۲، سال ۱۳۶۲ خ، ۱۰۴۱ صفحه.
۷. ۳۵ تا ۳۸ - نگارش چهار مجلد «فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه گنج بخش»، اسلام‌آباد، پاکستان (مرکز تحقیقات)، مجلدهای ۴-۱، سال‌های ۷۵-۱۳۶۱ خ، روی هم ۲۵۱۳ صفحه.
۸. نگارش «سعدی بر مبنای نسخه‌های خطی پاکستان»، انتشارات مرکز تحقیقات پاکستان، سال ۱۳۶۳ خ، روی هم ۲۱۹ صفحه.
۹. ۴۰ تا ۵۲ - نگارش سیزده مجلد «فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان»، مرکز تحقیقات مجلدهای ۱۳-۱، سال‌های ۷۰-۱۳۶۲ خ.
۱۰. ۵۳ - نگارش «فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان» با اضافات و تجدید نظر، دکتر سید عارف نوشاهی، مرکز تحقیقات اسلام‌آباد، ۱۳۷۵ خ، ۹۴۵ صفحه.
۱۱. ۵۴ تا ۵۷ - نگارش چهار مجلد «فهرستواره کتاب‌های فارسی» سال‌های ۷۸-۱۳۷۴ خ، با کمک‌های مالی و فنی مرکز دایرة‌المعارف، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

۱۲. ۵۸ - فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه عمومی و آرشیو پتیاله (پنجاب، هند)، انتشارات مرکز تحقیقات فارسی جمهوری اسلامی ایران، دهلی نو، ۱۳۷۶ خ، ۲۰۳ صفحه.
۱۳. ۵۹ - «فهرست نسخه‌های خطی مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی»، تهران، ۱۳۷۷ خ، ۴۷۲ صفحه.
۱۴. ۶۰ - «فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی علوم قرآنی در ایران»، انتشارات پیام آزادی تهران، ۱۳۷۸ خ، ۲۱۴ صفحه.
۱۵. ۶۱ - «فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی علوم قرآنی در پاکستان»، انتشارات پیام آزادی، تهران، ۲۶۶ صفحه.
۱۶. ۶۲ - «فهرستواره کتاب‌های فارسی»، مجلد پنجم، سال ۱۳۷۹ خ، (۱۶۸-۳۲۳۴) با کمک‌های مالی و فنی دایرةالمعارف بزرگ، انتشارات انجمن آثار.

### \* استاد سید محمد یونس جعفری

دکتر سید محمد یونس جعفری فرزند سید محمد فاروق جعفری در سال ۱۹۳۰ م در دهلی تولد یافت. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در دهلی گذرانیده وارد دانشگاه دهلی شد و در سال ۱۹۵۶ م دوره لیسانس و در سال ۱۹۵۸ م دوره فوق لیسانس زبان فارسی را به پایان رسانید. در سال ۱۹۶۲ م برای تحصیل به ایران سفر نمود و نزدیک به سه سال در دانشگاه تهران به تحقیق زبان فارسی پرداخت. سرانجام به اخذ دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران نایل آمد. عنوان رساله دوره دکتری استاد جعفری «بررسی اشعار صائب تبریزی» است. ایشان رساله دوره دکتری خود را به راهنمایی استاد حسین منوچهر به پایان رسانیدند. پس از مراجعت از ایران تدریس را در کالج دهلی که حالا اسمش کالج ذاکر حسین می باشد، وابسته به دانشگاه دهلی است ادامه دادند و تا ۱۹۹۵ م که بازنشسته شدند، مشغول تدریس زبان فارسی بودند. گاهی دانشجویان خارجی نیز زبان و ادب فارسی آموزش می دهند.

در سال ۱۹۹۳ م مقاله‌ای به‌عنوان «نفوذ صائب بر زبان اردو» در پاکستان ارائه کردند و بیش از شش بار در سمینار بین‌المللی شرکت نمودند و مقالات متعددی دارند. چندین بار مسافرت علمی به ایران و یک مرتبه به پاکستان کرده‌اند. استاد جعفری به زبان‌های انگلیسی، اردو، فارسی و هندی آشنایی کامل و تا حدی به زبان‌های سانسکریت و عربی آشنایی دارد.

به تاریخ ۶ بهمن‌ماه سال ۱۳۸۶ هـ ش مطابق ۲۶ ژانویه ۲۰۰۸ به‌گرفتن اول جایزه «جشواره بین‌المللی فارابی» از دست رئیس جمهوری اسلامی ایران، آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد نایل آمد. ناگفته نماند که برای جشنواره ۱۲ دانشمند غیرایرانی در سرتاسر دنیا به‌عنوان برگزیده گروه زبان و ادبیات فارسی معرفی شدند و دکتر جعفری برای اثر تحقیقی‌شان «شرح کلیات صائب تبریزی» به دریافت این جایزه نایل آمدند و ایشان یکی از دو نفر که از هند انتخاب گردیدند، می‌باشند.

سال پیش به‌مناسبت بزرگداشت پنجاهمین سالگرد روابط فرهنگی نوین ایران و هند و در مراسم «جشن زرین» جایزه (۲۲ دی ۱۳۸۵)، «نخستین دوره جایزه سعدی» از دست آقای زرگر یعقوبی سفیر محترم جمهوری اسلامی ایران و رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران دهلی‌نو جناب آقای شفیع شکیب به‌روز ۲۲ بهمن‌ماه ۱۳۸۵ هـ ش/۱۱ فوریه ۲۰۰۷ م به‌ایشان اعطا شد.

#### برخی از تألیفات دکتر جعفری به زبان فارسی و اردو

۱. کلام صائب تبریزی، جلد اول، ۱۹۸۰ م.
۲. تصحیح و گردآوری ابیات پراکنده صائب تبریزی با‌عنوان کلام صائب، جلد اول مشتمل بر ردیف الف و ب، چاپ تونک راجستان ۱۹۸۲ م.
۳. نامه‌های اقبال لاهوری، دو جلد، محل چاپ تهران، ۲۰۰۶ م.
۴. ترجمه بابرنامه (از فارسی به اردو)، چاپ اسکاتلند، ۲۰۰۵ م.
۵. تصحیح تاریخ شاه شجاعی، تألیف میر محمد معصوم بن حسن صالح، مرکز تحقیقات فارسی رایزنی خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، دهلی‌نو، اسفند ۱۳۸۵ هـ ش/مارس ۲۰۰۷ م.

۶. تصحیح چهار چمن، تألیف چندر بهان برهمن، مرکز تحقیقات فارسی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دهلی نو، اسفند ۱۳۸۵ هـ ش/مارس ۲۰۰۷ م.

### مقالات

۱. «ستی» (خود سوزی زن در هند)، مجله ارمان، شماره ۹، آذر ۱۳۵۳ ش.
۲. «پیر رومی و عارف هندی» مجله ارمان، شماره ۲، اردیبهشت ۱۳۵۵ ش.
۳. «خط فارسی» مجله یغما، شماره اول، فروردین ۱۳۵۱ ش.
۴. «خواجه بختیار کاکلی» مجله یغما، شماره ۴، تیر ۱۳۵۲ ش.
۵. «سراپا» مجله یغما، شماره ۱۰، دی ۱۳۵۳ ش.
۶. «نگاهی به ابیات حافظ» مجله خرد و کوشش (شیراز)، شماره ۱۸، پائیز ۱۳۵۴ ش.
۷. «رباعیات عمر خیام»، راهنمای کتاب، شماره ۱۰ و ۱۲، ۱۳۴۹ ش.
۸. «یک تحقیق کوتاه و جالب راجع به صائب»، مجله وحید، شماره ۷، تیر ۱۳۴۷ ش.
۹. «زبان فصیح و گویش‌های محلی»، مجله سخن، شماره ۵، فروردین ۱۳۵۳ ش.
۱۰. «علل تنظیم شاهنامه فردوسی»، مجله سیمرغ، شماره ۲، آبان ۱۳۵۴ ش.
۱۱. «بحثی درباره رباعی ملأ شاه بدخشی»، مجله کیهان فرهنگی، شماره ۱۳۶۳ ش.

### \* استاد شریف حسین قاسمی

آقای دکتر شریف حسین قاسمی در سال ۱۹۴۳ م در دهلی تولد یافت. وی تحصیلات متوسطه را در دهلی گذراند و وارد دانشگاه دهلی شد و دکترای زبان و ادبیات فارسی خود را از این دانشگاه دریافت کرد. آنگاه به تدریس در دانشگاه پرداخت و با عنوان استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه دهلی مشغول بود و به تازگی بازنشسته شده است. ایشان علاوه بر زبان فارسی به زبان اردو، هندی و انگلیسی نیز آشنایی دارد.

### برخی از تألیفات استاد قاسمی

۱. تصحیح و تنقیح کتاب اشارات بینش، تألیف مرتضی بینش، فارسی، انجمن هند و ایران، دهلی، ۱۹۷۳ م.

۲. ترجمه و حاشیه بر کتاب تاریخ نثر فارسی (اردو)، تألیف دکتر ذبیح‌الله صفا، انجمن هند و ایران، دهلی، ۱۹۸۱ م.
۳. تصحیح و تنقیح و حاشیه و ترجمه بر کتاب سیرالمنازل از میرزا سنگین بیگ (فارسی و اردو)، مؤسسه غالب، دهلی نو، ۱۹۸۲ م.
۴. ترجمه و حاشیه بر مناقب‌الحسن رسول‌نما، مکتبه رضی، کراچی، پاکستان، ۱۹۸۴ م.
۵. مقدمه و حاشیه بر مقالات پروفیسور سید امیر حسن عابدی به‌عنوان ادبیات فارسی هند (اردو)، دهلی، ۱۹۸۴ م.
۶. هندوستانی فارسی ادب، انجمن هند و ایران، دهلی، ۱۹۸۵ م.
۷. تصحیح و حاشیه و تنقیح کتاب تذکره جمیع اولیای دهلی، تألیف حبیب‌الله، مؤسسه تحقیقاتی فارسی و عربی راجستان، تونک، ۸۸-۱۹۸۷ م.
۸. فهرست نسخ خطی و چاپی دیوان حافظ در هند، مرکز تحقیقات فارسی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دهلی نو، ۱۹۸۸ م.
۹. دیباچه غرّة‌الکمال، مجله تحقیقات فارسی دانشگاه دهلی، دهلی، ۱۹۸۸ م.
۱۰. رساله خوش‌نویسی، دهلی، ۱۹۸۹ م.
۱۱. واقعات خرابی دهلی، دهلی، ۱۹۹۰ م.
۱۲. فهرست نسخ خطی و چاپی آثار نظامی گنجوی در هند، دهلی، ۱۹۹۴ م.
۱۳. تصحیح یادگارنامه فخرالدین علی احمد، ۱۹۹۴ م.
۱۴. فهرست نسخ خطی و چاپی شاهنامه در هند، دهلی نو، ۱۹۹۵ م، بمبئی، ۲۰۰۱ م.
۱۵. تصحیح کتاب نی مولوی (انگلیسی)، دهلی، ۱۹۹۶ م.
۱۶. تصحیح مقالات هند، ایران و افغانستان به‌عنوان «ادبیات معاصر دری»، بخش فارسی دانشگاه دهلی، دهلی.
۱۷. تهیه فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانه عمومی پتیلا، دهلی نو، ۱۹۹۸ م.
۱۸. ترجمه فارسی یادگار غالب، تألیف الطاف حسین حالی پانی پتی، مؤسسه غالب، دهلی نو، ۲۰۰۰ م.

۱۹. تصحیح ریاض الشعرا، تألیف علی قلی خان واله داغستانی، کتابخانه رضا رامپور، ۲۰۰۱ م.
۲۰. تصحیح عبرت الغافلین، مجله غالبنامه، مؤسسه غالب، دهلی نو، ۲۰۰۲ م.
۲۱. تصحیح همراه مقدمه مضامین ادبیات فارسی (انگلیسی) (مقالات نذیر احمد)، ۲۰۰۵ م.
۲۲. تصحیح منشآت برهمن، تألیف منشی چندر بهان برهمن، کتابخانه رضا رامپور، ۲۰۰۶ م.
۲۳. تصحیح و ترجمه دستنبو (از اردو به فارسی)، مؤسسه غالب، دهلی نو، ۲۰۰۷ م.
۲۴. ترجمه رساله اعجاز خسروی امیر خسرو (انگلیسی)، واشنگتن، ۲۰۰۷ م.
۲۵. ترجمه کتاب ریپیدیکس اسپیکنگ کورس، پُستک محل، دهلی، ۲۰۰۸ م.
- آقای قاسمی علاوه بر این تألیفات حدوداً دویست مقاله تحقیقی به زبان‌های انگلیسی، فارسی و اردو نوشته و در مجله‌های موقر هند و خارج از هند به چاپ رسانده است. همچنین ایشان در کنگره‌های ملی و بین‌المللی در ایران، افغانستان، پاکستان، ازبکستان، پاریس، تاجیکستان و غیره شرکت نموده است.